



مردان شاخص «اتحادیه عدالت» شامل سوپرمن و پتمن افسانه‌ای، حالا پاور ان جدید و غیر منتظره‌ای دارند

برایان مایکل بندیس از آخرین ساخته خود می گوید

دنیایی تازه برای «ابر قهرمانان» خیالی

«اتحادیه عدالت» حالا ترکیبی متفاوت با نفرات جدید دارد

◀ **رومان روحانی**
خبرنگار

ساختن فیلم‌های سینمایی از روی داستان‌های کمیک بوکی «اتحادیه عدالت» به‌رغم عمر بسیار کم این انجمن پر طرفدار (اما کودکانه و سطحی) رویداد تازه‌ای نیست اما پس از ساخت و ارائه دو فیلم از روی «Justice League» اینک که قسمت سومی را برای آن تدارک دیده‌اند، با حضور برخی کاراکترهای غیر منتظره و جدید در این بخش مواجه خواهیم شد. از آنجا که «اتحادیه عدالت» مثل «کاپیتان آمه ریکا» و بعضی قسمت‌های «آیرون من» محل حضور همزمان تعدادی از ابرقهرمانان خیالی و همکاری آنها برای محو بی عدالتی و دفع اشرار است، هیچ‌کس از شنیدن حضور سوپرمن و بت من افسانه‌ای و حتی «فلش»، «دختر عقابی» و «مرد دریایی» در جمع این منجی‌های خیالی متعجب نمی‌شود اما انواع سؤال‌ها و انبوهی از حیرت‌زمانی باب می‌شود که می‌بینیم امثال «آدام سیاه»، «هیولیتا» و «ناثو می» هم به این جمع زیده پیوسته‌اند. با این اوصاف جا دارد از برایان مایکل بندیس که خالق این سری داستان‌های کمیک استرپیی است، پرسیده شود که تغییرات تازه و نام‌های اضافه شده چطور سراز اتحادیه عدالت درآورده‌اند و بندیس که همکاری‌اش با گرافیکست هنرمندی همچون دیوید مارکر در موفق جلوه کردن «اتحادیه عدالت» سهم زیادی داشته است، در این باره پاسخ‌های روشنگری می‌دهد.

■ **آقای بندیس، ترکیب «اتحادیه عدالت» بسیار تغییر یافته و قضایا جالب‌تر شده و در مجموع با چیزی مواجه شده‌ایم که بی‌سابقه بوده است.** این فرایند را توضیح بدهید.

این تغییرات روند جدید هرچه بوده باشد، عکس‌العمل مثبتی را از جانب مردم موجب شد و من از این بابت خوشحالم. من از مدتی پیش در تدارک این تغییرات بودم و فقط انتظار زمانی مناسب را برای آن می‌کشیدم. در این راستا باید از دووین جاسون تشکر ویژه بکنم زیرا ایده‌ها و ابتکارات او برای به تصویر کشیدن هرچه بهتر کاراکتر «آدام سیاه» بسیار به‌کار ما آمد و موجب غنی‌تر شدن قصه شد. سختی‌های زیادی در راه تحقق این تغییرات به ذهنم خطور کرده بود اما وقتی کار شروع شد و به‌پیش‌رفتیم، مسائل آسان‌تر جلوه کرد.

■ **با وجود این درباره این ترکیب جدید از ابرقهرمانان حاضر در «اتحادیه عدالت» توضیحات بیشتری بدهید.**

شاید بهتر باشد شما را به حرف‌های کاراکتر «تیر سب» ارجاع بدهم که در متن این داستان‌ها و در یکی از اپیزودهای آن

روی این داستان و روح و بطن آن و کنکاش کاراکترها پیرامون خاستگاه و شرح وظایف و آینده کاری‌شان است.

■ **قطعاً امکان همکاری مجدد با دیوید مارکر نکته‌ای بود که شما را به سوی مشارکت در ساخت این فیلم کمیک بوکی سوق داد.** آیا این اولین مرتبه ساخت یک فیلم توسط شما برای کمپانی دی‌سی می‌کنیز نیست؟

طبعاً این مسأله نقش مهمی در تحقق این پروژه و تولد این فیلم داشت، ضمن این که من و مارکر پیش از این پروژه هم قصد همکاری مجدد داشتیم و می‌خواستیم آثار هنری تازه‌ای را با کمک یکدیگر خلق کنیم. که از خودمان پیرسیم آیا دیدگاه و اقدامات ما برای کامل شدن و تأمین خواسته‌های مردم و دوستداران داستان‌های کمیک بوکی کفایت می‌کند یا خیر و آیا ما در اندازه‌های لازم برای انجام این کار هستیم؟ فیلم جدید از این مجموعه، حول و حوش همین موضوع حرکت و آن را حلاجی و پاسخ‌هایی را برای آن پیدا می‌کند. این بواقع به معنای ایجاد دنیایی جدید و باز شدن دره‌هایی تازه به

خیلی‌ها کار بسیار سختی است، تصور و ترسیم این بود که مارکر با پس بکشد و وارد یک پروژه بسیار پر دردسر از این قبیل نشود ولی مارکر قبول و به این پروژه ورود کرد و همین مسأله یک شروع خوب را برای ما و کل فیلم به تصویر کشید. ما برداشت و تجسم بسیار مناسب و مطلوبی را که از سوپرمن، بت‌من و البته ناثو می در این نسخه تازه «اتحادیه عدالت» به‌وجود آمده است، در درجه اول مدیون مارکر هستیم که هر چیزی را درست همان‌طوری ترسیم و ارائه کرده‌است که باید صورت می‌گرفت و هم مطابق با اصل داستان است و هم همسو با مصلحت‌ها و اتفاقاتی که موجب جذب بیننده‌هایی هرچه بیشتر به سوی اولین فیلم بلند من برای کمپانی دی‌سی و شکوفایی گیسه‌ها می‌شود.

■ **طراحی تان برای آینده «اتحادیه عدالت» و قسمت‌های بعدی این سری فیلم‌های کدام روال و منوال استوار است و چه چیزهایی را باید در آینده انتظار بکشیم؟**

از آنجا که این پروژه را طی طراحی طولانی

مدت به من سپرده‌اند، در این خصوص فکری‌های کرده‌ام اما نه به طور عمیق، وسیع و دقیق و در نقطه شروع چنین پروسه‌ای قرار دارم البته به مردم و دوستداران کارهای کمیک‌بوکی و بخصوص مردان «اتحادیه عدالت» حق می‌دهم که در این خصوص دقیق و حساس باشند و پرس‌وجو کنند و از افکار ما به‌عنوان طراحان قسمت‌های بعدی این سری فیلم‌ها کسب اطلاع نمایند تا مطمئن شوند که ما چیزهایی را در ذهن نداریم که نفی‌کننده خواسته‌ها و آرزوهای آنان و برخلاف اصول بنیادین این اتحادیه خیالی باشد. قدر مسلم این‌که ما مقداری در قضایای پایه‌ای و ریشه و اساس کارها تأمل و برنامه‌ریزی مجدد می‌کنیم و بعضی چیزهایی را که قصه و اتفاقات مطرحه بر پایه آن استوار شده، تغییر خواهیم داد تا در مسیری درست به حرکت درآییم.

■ **دوین قصه‌ها و رویدادهای مورد نظرتان چگونه صورت خواهد گرفت؟**

برنامه من و مارکر این است که پس‌از نوشتن داستان‌های نخست دو سه پایه

ما با این الزام و حالت طبیعی مواجهیم که آدم‌ها و قهرمانان حاضر یکدیگر را بخوبی نمی‌شناسند و نمی‌توانند بسرعت در کنار هم به یک بیلان عالی برسند. وقتی فقط درباره اونجرز، نگهبانان کهکشان، «غول‌های نوجوان» و حتی اتحادیه عدالت، فیلم و داستان می‌سازید، می‌دانید که اعضای این گروه‌ها کاملاً با یکدیگر آشنا و در یک مسیر واحد هستند و می‌دانند که چه باید بکنند و هماهنگی و حرکت یکپارچه جزو خصایل آنها است اما وقتی از هر یک از این گروه‌ها یا سایر دسته‌ها و افراد دست به انتخاب می‌زنید و کاراکترهایی را از درون مجامع و گروه‌هایی متفاوت بیرون می‌کشید و کنار هم می‌گذارید، وضعیت فرق می‌کند زیرا پیشتر کنار هم نبوده و با یکدیگر کار نکرده‌اند و به تبع آن یکدست و هماهنگ نیستند. یک مشکل بزرگ ما در بافت بالنسبه جدید «اتحادیه عدالت» چنین چیزی و تبعات آن است.

■ **مثال روشن‌تری برنید.**

ملکه هیولیتا را مثال می‌زنم که با هر فرد دیگر وارد شونده به اتحادیه عدالت تفاوت دارد و «زن شگفت‌انگیز» هم با او یکی و شبیه نیست. او با خود فضای را به این مجموعه می‌آورد که پیشتر هرگز وجود نداشته ولی چون طبق داستان‌های جدید این مجموعه در مرکز جهان هستی و در بطن دنیای دی‌سی کمیک قرار دارد، نمی‌توان حذفش کرد. «آدام سیاه» نیز در همین تعریف می‌گنجد. در نهایت ما با فضا و دنیای تازه‌ای روبه‌رو هستیم که پیشتر هرگز در این مجموعه تأمین و تجربه نشده است و با حضور آنها اتحادیه‌ای مقابل ما شکل می‌گیرد که معنای بسطی تری نسبت به رورسین‌های قبلی این انجمن دارد. نقطه شروع کار آنها ایجاد آشنایی بیشتر بین اعضا و سپس حرکت به سوی مخالفان و دشمنان و سرکوب آنها است. این دنیای جدیدی است که ارزش لمس کردن و دیدن را دارد.

*منبع: New York Times

اصلی تازه را برای فیلم‌های بعدی و سناریوی آنها برگزینیم و آنها را به موازات یکدیگر به پیش ببریم و پل‌های ارتباطی لازم را بین آنها برقرار کنیم، البته این داستان‌ها چون بر افسانه‌های جذاب دی‌سی کمیکز استوار هستند، بسیاری از مواد و خمیرمایه‌های لازم را دارند و نیازی نیست که ما آنها را از نو طراحی و تأمین کنیم و شماری از چیزها همین حالا هم در جای لازم قرار دارد. یکی از افکار و طرح‌های من خلق آدم بدهای تازه و وارد کردن آنها به متن اتفاقات و رویدادهای «اتحادیه عدالت» است و البته برخی از این کاراکترهای منفی از قبل و در کمیک استرپ‌ها موجود بوده اما جایی در «Justice League» نداشته‌اند و ما فقط ترتیب انتقال آنها را به متن اتفاقات و به درون پیگر این فرانچیز جدید و نوپا داده‌ایم. من در پایان روزهای حضور در پروژه‌های سوپرمن تعدادی آدم بد از این قبیل طراحی و وارد صحنه کرده بودم و حالا وقت انتقال شماری از آنها به عرصه اتحادیه عدالت است و همسو با آن اتفاقات و چرخه‌های دیگری از سرنوشت و برخورد‌ها، شادی‌ها و غم‌ها به این داستان‌ها ضمیمه خواهد شد.

■ **آیا تعدد کاراکترها که نتیجه مستقیم تغییرات جدید اعمال شده در ترکیب و بافت این فرانچیز است، اداره آن و داستان پردازی مؤثر را بسپار سخت‌نمی‌کند؟**

قطعاً کارمان دشوارتر شده و تنظیم این روند و رسیدن به راندمانی بهتر به کار و طراحی و زحمت بیشتری محتاج و وابسته شده است. در همین راستا ما در متن داستان و در مسیر قسمت‌های بعدی این فرانچیز دالما عده‌ای را موقتاً حذف و از برخی دیگر استفاده می‌کنیم و در مرتبه بعدی تغییرات به سراغ افراد و شخصیت‌هایی خواهیم رفت که در قسمت قبلی گوشه نشین و از طمن اتفاقات دور بودند. به‌علت تعدد کاراکترهایی که می‌توانند و باید در این اتحادیه عضو باشند،

دیده و برداشت‌هایی متضاد می‌شود، این کاراکتر برای بینندگان فیلم تازه و کل دوستداران کارهای کمیک بوکی اصلاً یک تازه وارد صرف و چهره‌ای کاملاً نو نیست. اضافه برایین حضور او در دو فیلم مورد بحث طرح این سؤال را الزامی‌تر می‌کند که آیا سرنوشت وی با احتساب مخاطرات شدیدتری که این بار در انتظار اوست، همان قدر تیره خواهد بود که متن قصه گواهی می‌دهد؟

■ **برآوردی هرچه بهتر**
پایان کار و سرنوشت ناتاشا رومانوف یا همان «بیوه سیاه» در اولین فیلم کاملاً منحصربه‌وی هرچه باشد، شکی نیست که تأخیر یک سال و چهار ماهه در پخش فیلم که به سبب مشکلات مرتبط با کرونا بود، وقت و مجال کمپانی‌های مارول و والت‌دیسنی سازندگان این اثر سینمایی را برای برآورد و ثمردهی هرچه بهتر آن بیشتر ساخته و آنها بر این باورند که حتی اگر در اواخر مردادماه امسال اوضاع کرونایی دنیا بسیار تیره

و شرایط روحی مردم بد و گیشه‌ها کساد باشد، اکران عمومی فیلم ارجح بر فرستادن مستقیم فیلم به چرخه کارهای ویدئویی و شبکه خانگی و توزیع آن توسط استودیو دیسنی پلاس است که کار اصلی آن مدیریت توزیع و پخش محصولات مشترک این استودیو و مارول در بازارهایی بجز عرصه اکران عمومی و نمایش آنها در تماشاخانه‌ها است.

اگر تأخیر فوق در کار نبود و «بیوه‌سیاه» در همان زمانی اکران می‌شد که ابتدا مقرر گشته بود (۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۹) شاید سازندگان این فیلم اینک مشغول ساخت قسمت دوم آن نیز بودند اما فرانچیزهای ماندگار کمیک بوکی منجمله «اونجرز» که قسمت چهارم آن در صدر پرفروش‌های تاریخ سینما قرار دارد، از این گونه تأخیرها و کش و قوس‌های مدیریتی و محیطی و حرفه‌ای بیش از متضرر شدن بهره گرفته و آینده‌ای روشن‌تر یافته‌اند و «بیوه سیاه» نیز می‌تواند همین گونه باشد.

*منبع: Empire



اسکارلت یوهانسون در قالب «بیوه سیاه» مخاطرات شدیدی را پیش رو دارد

فیلم «کاپیتان آمه‌ریکا: جنگ داخلی» و «اونجرز: پایان بازی» است و چون در آن رویدادهای هم از «بیوه سیاه» تصاویری

دیوید هاربور سایر نقش‌های مهم را ایفا می‌کنند. باید متذکر شد که یک عامل

مواجه می‌شود که فقط نیروی عظیم قهرمانان کمیک استرپیی قادر به مهار و سرکوب آن است. واقعیت موجود این است که رومانوف پیش‌از کوچ به دنیای نیک کرداران، یک جاسوس بوده و عهد‌های بسیاری را شکسته و در عقیم‌ماندن مراودات پرشمار دیگری پیرامون خویش نیز دست داشته با ناظر بی‌طرف آن بوده است.

■ **چقدر تیره؟**
او حالا یکی از اونجرزها و به این ترتیب عضو نه‌ای است که برای رهایی جهان از چنگ تبهکاران بزرگ می‌جنگد اما فیلم «بیوه‌سیاه» به ما می‌گوید گذشته او سرشار از تشنه‌هایی است که فقط در پیشینه اشرار و دستیاران آنها در دنیای کمیک بوک‌ها قابل لمس و مشاهده است. کارگردانی این فیلم با کیت شورتلند است و اضافه بر اسکارلت یوهانسون که پیشتر هم در دنیای کمیک استرپیی امتحان پس داده، فلورانس پیو و

در میان داستان‌های کمیک استرپیی دنیا و نسخه‌های سینمایی ساخته شده از روی آنها، «بیوه سیاه» یکی از تازه‌ترین آنها است اما سرنوشت اقتصادی فیلم نخست که قرار است اواخر تابستان امسال اکران شود، در ترسیم آینده این فرانچیز احتمالی و نحوه ساخت و فرجام ورسیون‌های بعدی سهمی بسزا خواهد داشت.

«بیوه سیاه» متمرکز بر کاراکتر اصلی و کلیدی ناتاشا رومانوف است و آن‌چه فیلم نخست پیرامون وی مطرح می‌کند، رویارویی با تبعات منفی گذشته خود اوست. رومانوف که نقش او را اسکارلت یوهانسون بازی می‌کند، در ستیزه‌ای که ناگهان در مسیر وی قرار می‌گیرد و در چالشی طاقت‌فرسا با نیروی عظیمی روبه‌رو می‌شود که از هیچ کاری برای ساقط کردن وی رویگردان نیست و چه این ماجرا یک توطئه صرف باشد و چه چه رومانوف واقعاً گذشته اسفباری را داشته باشد. او با قضایای بنیان برافکنی